ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام‌جم | سه‌شنبه، ۸ آبان ۱۴۰۳ | شماره ۲۷۵

گزیده‌ای از یادداشت استاد علیرضا مختارپور بر کتاب «پاییز آمد» که مفتخر به تقریظ رهبر انقلاب شد

منبعی مهم در شناخت شرایط اجتماعی و فرهنگی

به مناسبت رونمایی از تقریظ رهبرمعظم انقلاب اسلامی بر کتاب پاییز آمد، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران یادداشتی منتشر کرد. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخشی از این یادداشت است.

یکی از منابع بسیار مهم در شناخت شرایط و وضعیت اجتماعی- فرهنگی دوره‌های مختلف تاریخی، بررسی اطلاعاتی است که در آثار مکتوب دوره مورد تحقیق آمده و پژوهشگر با مطالعه دقیق آن آثار به داده‌هایی مهم دست می‌یابد. کتاب پاییز آمد خاطرات خانم فخرالسادات موسوی، همسر سردار شهید احمد یوسفی که به قلم خانم گلستان جعفریان تدوین شده یکی از این آثار است.

می‌توان مقطع ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۵ را به‌عنوان دوره شکل‌گیری شخصیت، رشد، مبارزات و فعالیت‌های محور اصلی کتاب یعنی شهید احمد یوسفی و همسرش فخرالسادات موسی در نظر گرفت اما از مجموع ۲۳۰ صفحه کتاب فقط ۲۷ صفحه به دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مربوط است پس بخش اصلی کتاب سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ را در بر می‌گیرد؛ یعنی دوره‌ای ۹ ساله.

دورانی که از نظر سیاسی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مقاطع در تاریخ انقلاب اسلامی و بلکه تاریخ ایران است.

به طور مختصر می‌توان وضعیت این دوره را با عناوین زیر مشخص کرد:

۱ پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) پس از ۱۵ سال مبارزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای قرن بیستم و دارای آثار گسترده جهانی و منطقه‌ای

۲ آثار اجتماعی فرهنگی انقلاب اسلامی در سبک زندگی مردم خصوصا در دهه اول جمهوری اسلامی ایران.

۳ تحرکات گسترده و راه انداختن ماشین ترور توسط گروهک‌های ضدانقلاب خصوصا سازمان منافقین از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۱ در شهرهای مختلف کشور

۴ وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با پشتیبانی استکبار جهانی که با هشت سال مقاومت مردم به دفع تجاوز و حفظ تمامیت ارضی کشور منجر شد.

۵ تجربه زیست مؤمنانه، مجاهدانه و مدیریت جهادی در طول هشت سال دفاع‌مقدس که موجب ظهور و پرورش نسلی از مدیران و فرماندهانی با معیارهای اسلامی- ایرانی گردید و فتح‌الفتوح پرورش جوانانی مومن و انقلابی.

۶ آثار عمیق و گسترده دوران دفاع‌مقدس در وضعیت فرهنگی اجتماعی کشور و بروز ارزش‌های نوین خصوصا در خانواده ایثارگران.

تصویری روشن از وضعیت فرهنگی اجتماعی

کتاب پاییز آمد با وجود حجم نسبتا کوتاه، در بازنمایی تصویری روشن و مختصر اما گویا از وضعیت فرهنگی اجتماعی دوران مذکور خصوصا مقطع زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ موفق بوده است. خواننده این کتاب در ضمن مطالعه زندگی مشترک فخر السادات موسوی و همسرش تا حدود زیادی با مختصات آن دوران آشنا می‌شود.

مروری کوتاه بر محتوای کتاب پاییز آمد با توجه به مشخصات و مختصات عمومی و شرایط اجتماعی فرهنگی دهه نخست جمهوری اسلامی:

۱ تصویر وضعیت زندگی خانواده موسوی، خانواده‌ای سنتی، باریشه‌های مذهبی و تعلق به سادات، شغل نظامی‌گری پدر خانواده در عین مخالفت وی با نظام پهلوی، مهاجرت ناگریز و تبعات آن، گرایش یکی از فرزندان به مبارزات دوران انقلاب زندگی متوسط اما با توجه مادر به رفاه خانواده و انطباق با دوران جدید.

صفحات: ۱۲، ۱۴، ۱۹، ۲۳-۲۵-۳۰، ۳۱

عبارت برگزیده: پدرم می‌گفت: ما سادات هستیم سعی کنید جوری لباس بپوشید و جوری رفتار کنید که فردای قیامت پیش جدمان شرمنده نباشیم (صفحه ۱۲)

۲ اهمیت مطالعه در میان نسل دانش‌آموز و دانشجوی سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، جست‌وجو برای یافتن پاسخ‌های دینی- سیاسی، آشنایی با مکاتب مطرح آن روزگار از جمله مارکسیسم و اگزیستانسیالیسم

موضوع کتاب، کتابخوانی، کتابخانه، اشاره به نام کتاب‌های/آری این جنین بود برادر/ در قلمرو اسلام/ در خدمت و خیانت روشنفکران/ پاپیون/خرمگس/امت و امامت/بوستان سعدی، وگلستان سعدی.

صفحات: ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۴۸، ۱۰۷، ۱۲۲، ۱۵۹، ۱۶۴

عبارت برگزیده: «من جواب همه تردیدها و احساس پوچی و بیهودگی را که در سال‌های نوجوانی به سراغ آدم‌ها می‌آید، در مطالعه فلسفه و معارف اسلامی یافته بودم» (صفحه ۲۹)

۳ رواج فضای ادبی، اشعاری که میان دانش‌آموزان، دانشجویان، و گروه‌های کوهنوردی خوانده می‌شد.

۴ اهمیت صدق در قول و فعل، صداقت در معارفه پیش از ازدواج.

صفحات: ۵۶، ۵۷، ۸۸، ۱۰۱، ۱۰۲

عبارت برگزیده: احمد همان طور که سرش پایین بود آرام و شمرده شروع کرد به صحبت کردن: «به جز این لباس پاسداری که به تن دارم، از مال دنیا هیچ چیزی دیگری ندارم.» (صفحه ۵۷)

۵ محوریت مساجد در فعالیت‌های اجتماعی، نظامی، فرهنگی.

صفحات: ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۴۴

عبارت برگزیده: گفتم: «ما بچه‌های مسجد امیرالمومنین هستیم و برای کمک به زلزله‌زدگان طبس می‌خواهیم کمک جمع کنیم. مردم زلزله‌زده در سختی هستند و وظیفه هر مسلمانی است که به برادران و خواهران مسلمانش کمک کند. ما به‌عنوان مسلمان نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم» (صفحه ۴۲)

۶ توجه برخی جوانان و حتی نوجوانان به تهذیب و تزکیه، حس همدردی با ضعفا، عبادت‌های خاص، ره صدساله را در مدت کوتاهی پیمودن

صفحات: ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷

عبارت برگزیده: دایی احمد می‌گفت: «صبح که می‌آمدم می‌دیدم کف مغازه یک چادر شب انداخته و روی زمین خوابیده است. می‌گفتم رحمان جان تشک به این نرمی و راحتی برایت آوردم، چرا نمی‌اندازی دایی جان؟ روی زمین خشک نخواب، رحمان با آن سن کم در حال تزکیه نفس بود، به خودش سختی می‌داد. بدنش را به سختی عادت می‌داد. به چشمانش که نگاه می‌کردی، فروغ یک مرد پرهیزکار چهل ساله را داشت، نه یک پسر نوجوان شانزده ساله» (صفحه ۱۳۳)

۷ احساس وظیفه مردان انقلابی در کمک به امور خانه‌داری، کمک به خانواده‌ها در عین فعالیت سنگین اجتماعی

صفحات: ۹۲، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۴۵، ۱۴۶

عبارت برگزیده: احمد گفت «شانس آوردی جلسه افتاد بعد از ظهر. من هم آمدم خانه کارها را انجام بدهم. سرم را انداختم پایین و گفتم: احمد تو که کهنه می‌شویی من خجالت می‌کشم.... لبخند زد و گفت چرا سیده خانم: گفتم: تو مردی، پاسداری با چند تا مسئولیت سنگین. نباید توی خانه از این کارها بکنی. دست‌های مرا بوسید و گفت: شاید باور نکنی، من عشق می‌کنم کهنه می‌شویم. لباس‌های کوچک و بامزه را می‌شویم. اینها لباس‌های بچه‌های من هستند. من عاشق این زندگی، تو و کارهایش هستم» (صفحات ۱۴۵-۱۴۶)

۸ انجام وظایف سنگین و مخاطره‌آمیز نه به‌عنوان شغلی برای کسب درآمد، و دریافت حقوق اندک به میزان نیاز در برابر حجم سنگین فعالیت

صفحه: ۴۷

عبارت برگزیده: «ایدئولوژی من در سپاه کامل شد. آنجا هرچه خوانده بودم عملا دیدم. مردان جوانی که آنجا کار می‌کردند، برای کارشان حقوق نمی‌گرفتند. وقتی به اصرار سپاه، فیش حقوق صادر شد، صندوقی درست کردند که افراد به مقدار نیازشان از حقوق پرداختی برمی‌داشتند و بقیه را به همان صندوق می‌دادند تا صرف کمک به محرومان شود» (صفحه ۴۷)

۹ عدم مبانیت و تزاحم میان ازدواج و حضور در جبهه و پیش‌بینی معلولیت یا اسارت یا شهادت و وقوع شهادت گاه با فاصله کوتاهی از ازدواج

برای نمونه صفحات: ۵۷، ۱۱۵، ۱۱۸

عبارت برگزیده: «احمد گفت: در مورد اکبر دو تا خبر است. اکبر فرمانده گردان سلمان فارسی بوده. بعضی‌ها می‌گویند زخمی شده و بعضی می‌گویند شهید شده است. گفتم: خدایا به تازه عروسش رحم کن» (صفحه ۱۱۵)

۱۰ جدیت در فعالیت‌های سازندگی در شهر و روستا برای جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از دوران ستم شاهی

صفحات: ۳۸، ۳۹

عبارت برگزیده: «شور و شوق انقلابی‌گری بین دانش‌آموزان و دانشجویان بالا بود. یادم هست شهرداری فراخوان داد برای آسفالت خیابان صفرآباد. خیابان وضعیت ناجوری داشت. اگر بارندگی می‌شد، آب به خانه‌های مردم می‌زد. شاید دویست جوان هفده تا بیست و هفت ساله جمع شدند و با بیل و کلنگ افتادیم به جان پستی و بلندی‌های خیابان بلند صفرآباد. از شش صبح تا عصر کار کردیم. سرانجام، خیابان صاف و برای آسفالت تحویل شهرداری شد» (صفحه ۳۸)

۱۱ تغییرات بنیادین در سبک زندگی مردم خصوصا در نسل جوان و فعال کشور از نظر عدم توجه به مادیات و تجملات و زینت‌های دنیوی.

صفحات: ۵۴، ۱۰۰، ۱۲۵، ۱۳۷

عبارت برگزیده: «گفتم: باورکن مامان، من کنار احمد فهمیدم این غذاهای رنگارنگ نیست که به من قدرت و سلامتی می‌دهد. این آرامش و تسلیم بودن در برابر خواست پروردگار است که باعث می‌شود هم برای علی مادری کنم و هم برای احمد همسری و هم بچه‌ام در وجودم رشد کند» (صفحه ۱۲۷)

کتاب پاییز آمد با وجود حجم نسبتا کوتاه، در بازنمایی تصویری روشن و مختصر اما گویا از وضعیت فرهنگی اجتماعی دوران مذکور خصوصا مقطع زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ موفق بوده است